

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### تقریر درس خارج فقه نظام خانواده آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه ۹	تاریخ	۱۴۰۰/۰۹/۱۱
عنوان ۱	فصل اول: کلیات احکام ازدواج			
عنوان ۲	مطلب پنجم: شروط وجوب نکاح یا انکاح			
عنوان ۳	شرط کفویت			
عنوان ۴	اموری که موجب سلب کفویت می شود			
عنوان ۵	کفر			
عنوان ۶	ازدواج زن مسلمة با مرد کتابی			

در بحث کفویت بودیم و گفتیم مؤمن، کفو مؤمنه است و غیر مؤمن، کفو مؤمن نیست؛ ولو اینکه کتابی باشد. ما روایات مربوط ازدواج مسلمان با کتابیه را بحث کردیم. امروز حاصل جمع روایات را مطرح می کنیم. این روایات چند دسته بودند:

یک دسته از آنها در این رابطه وارد شده بود که آیه **﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ﴾**<sup>۱</sup> که نشان دهنده جواز ازدواج با زنان اهل کتاب است، به وسیله آیه دیگری نسخ شده که چنین می فرماید: **﴿لَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفِرِ﴾**<sup>۲</sup> بنابراین ازدواج با کتابیه ممنوع است. از این دسته از روایات، نهی از مطلق ازدواج با کتابیه استفاده می شد. دسته دیگر از روایات دلالت بر جواز ازدواج با کتابیه داشت که در برخی از این روایات تصریح شده بود که طلحه زن یهودیه ای در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله داشت؛ معلوم می شود ازدواج با کتابیات در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز کم و بیش وجود داشته است. و روایات متعددی که در جلسات گذشته آنها را خواندیم و بعد گفتیم که مجوسیه نیز کتابیه است. اما روایاتی که دلالت دارد بر اینکه آیه **﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ﴾** به وسیله آیه **﴿لَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفِرِ﴾** نسخ شده است، باید ببینیم مراد از نسخ چیست؟

۱. **﴿الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الْظِّبْيَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّجِدِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾**. سوره مائده: ۵.

۲. سوره ممتحنه: ۱۰.

می توان گفت که آیه «لَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكَوْفِرِ» از کلمه «لا تمسکوا» استفاده می شود مراد از آن، ازدواج دائم است؛ زیرا از ازدواج موقت نمی شود به «لَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ» تعبیر کرد؛ اینکه دستش را بگیرد و پیش خودش نگه دارد، با ازدواج دائم سازگاری دارد و عرف نمی پسندد که از ازدواج موقت چنین تعبیر شود و امساک، در مقابل طلاق استفاده می شود و همواره به ازدواج دائم است که امساک گفته می شود؛ لذا امساک، در مقابل ازدواج طلاق پذیر است نه ازدواج موقت که طلاق پذیر نیست؛ بنابراین این آیه ظهور در ازدواج دائم دارد.

از طرفی دیگر این آیه می فرماید «لَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكَوْفِرِ» که هم شامل کافر کتابی می شود و هم شامل کافر غیر کتابی و آنوقت می توان گفت که آیه «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ» به یک جهت از «لَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكَوْفِرِ» اخص است؛ زیرا در خصوص زنان اهل کتاب وارد شده است؛ اما از نظر دیگر اعم است که شامل ازدواج دائم و موقت می شود که بعدش می فرماید: «إِذَا أَتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ» که مراد همان مهریه است.

بنابراین بین این دو آیه، عموم و خصوص من وجه وجود دارد؛ لذا تعارض این دو آیه در ازدواج دائم با کتابیه خواهد شد؛ پس اگر نسخی وجود داشته باشد، نسخ در محل اجتماع این دو آیه است که محل اجتماع این دو آیه عبارت است از ازدواج دائم با کتابیه؛ نتیجه آن می شود که در ازدواج دائم با کتابیه، آیه «لَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكَوْفِرِ»، آیه «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ» را نسخ می کند و آنچه تحت این آیه می ماند، ازدواج موقت با محصنه از کتابیه است.

بنابراین روایات دیگری نیز که از آنها به طور مطلق، حل تزویج با کتابیه از آنها استفاده می شد، اطلاق آنها نیز با آیه «لَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكَوْفِرِ» تخصیص خواهد خود؛ در نتیجه ازدواج دائم، از تحت آن روایات خارج خواهد شد. ماحصل روایات باب این می شود که ازدواج با کتابیه، به ازدواج دائم جایز نیست اما به ازدواج موقت جایز است. بعد از پایان رساندن این بحث، به بحث ازدواج مؤمنه با کتابی می پردازیم.

#### ازدواج زن مسلمة با مرد کتابی

ممکن است که گفته شود مطلقاً ازدواج مسلمة با کتابی جایز نیست. این حکم از دو مجموعه ادله استفاده می شود: مجموعه اول، قاعده ولایت مرد بر زن در همان حدود ولایتی که در شرع آمده است که ازدواج، متقوم به این ولایت است و قوام ازدواج به این است که مرد، بر گردن زن حق دارد که نفقه او را بدهد و مرد حق استمتاع به زن داشته باشد. این حق ها، حق مرد بر زن را بیشتر از حق زن بر مرد قرار می دهد؛ یعنی فرض کنید مثلاً مرد هر وقت که بخواهد حق دارد که از زن بهره جویی کند اما زن اینطور نیست که هر وقت زن بخواهد، بر مرد اجابت واجب باشد و یا زن بر مرد حق دارد که نفقه او را بدهد؛ لذا مرد باید برود کار کند و نفقه او را بدهد؛ لذا اختیار مصرف در خانه با مرد است و زن نمی تواند از مال مرد در خانه بدون اذن مرد استفاده کند. البته زن در مال خودش می تواند تصرف کند و متوقف بر اذن زوج نیست الا در مواردی که با حقوق شوهر در تعارض باشد.

نتیجه این رابطه این است که اختیاراتی را برای مرد علیه زن درست می‌کند و این اختیارات به شکلی، نوعی ولایت بر زن را برای مرد درست می‌کند لذا ازدواج مرد کتابی با زن مسلمة با «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ سازگار نیست.

علاوه بر این روایات متعددی وجود دارد که از آنها استفاده می‌شود که اگر مرد و زنی هر دو کتابی بودند و زن مسلمان شد، باید به مجرد مسلمان شدن، عده بگیرد و حاکم باید به مرد مهلت دهد که اگر در عده زن مسلمان شد، به زوجیت با زن برمی‌گردد و زوجیت ادامه خواهد داشت؛ اما اگر در عده زن مسلمان نشد، زن از او جدا خواهد شد. از مجموعه این روایات - که ان شاء الله در جلسه آینده بیان خواهیم کرد - عدم جواز ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان ولو اینکه کتابی باشد استفاده می‌شود.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرین